

آثار شیسیم یا سروری در اصطلاح

واژه آزادی که برخی نویسندگان آن را از واژه اوستایی ((آزانه) و یا واژه پهلوی (آزاتیه) دانسته اند، در زبان فارسی در معنای متعددی از جمله حریت، اختیار، قدرت بر عمل و ترک عمل، قدرت انتخاب، رهایی و برخی واژه های دیگر آمده است....



واژه آزادی که برخی نویسندگان آن را از واژه اوستایی ((آزانه) و یا واژه پهلوی (آزاتیه) دانسته اند، در زبان فارسی در معنای متعددی از جمله حریت، اختیار، قدرت بر عمل و ترک عمل، قدرت انتخاب، رهایی و برخی واژه های دیگر آمده است. و این واژه در زبان های مختلف به اشکال مختلفی استعمال میشود. در زبان عربی از واژه حریت و اختیار، اراده ی مفهوم عمومی رها بودن را به اشکال و با تفاوتی اندک بیان میکند. معادل دقیق واژه عربی حر در عبری (حور) و در سریانی (حبر) است. در زبان لاتین واژه ی libertas و در زبان فرانسه واژه ی liberte بیانگر این مفهوم میباشد در زبان انگلیسی نیز معادل واژه آزادی، دو واژه frsdom و liberty بکار رفته است و به رغم برداشتهای مختلف آزادی دارای مفهوم واحدی است. که در همه برداشتهای مذکور به گونه ای وجود دارد. بر این اساس آزادی دارای سه مولفه ی اساسی است که مفهوم آن را تشکیل میدهد.

۱- فاعل: آزادی چه کسی؟

۲- مانع: آزادی از چه کسی یا چه چیزی؟

۳- هدف: آزادی برای چه هدفی؟

با توجه به این سه مولفه میتوان آزادی را اینگونه تعریف کرد. (آزادی فرد یا افرادی از فرد یا افراد خاص برای انجام دادن کار و یا رفتار خاص). همچنین باید گفت که آزادی دارای دو درجه منفی یا مثبت نیز هست. واژه آزادی در جوه مختلف و در معنای متفاوتی به کار گرفته شده است که مهمترین آنها عبارتند از وجه فلسفی و وجه سیاسی، وجه حقوقی و وجه اخلاقی، از نظر فلسفی آزادی به معنای (اختیار) در برابر (جبر) است. از لحاظ سیاسی، آزادی به مفهوم امکانات فرد از لحاظ حقوق مدنی، اجتماعی و سیاسی است در برابر قدرت و جامعه است. به لحاظ حقوقی نیز آزادی یکی از حقوق اساسی فرد دانسته شده است.

آزادی یکی از قدیمی ترین مفاهیمی است که در قابوس تفکر بشر طرح شده است. این واژه هم در حوزه تفکرات غربی و هم در حوزه تفکرات شرقی به عنوان یکی از آموزه های اساسی تفکر بشر مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است.

• آزادی فلسفی _ کلامی: آزادی در این وجه در قالب بحث جبر و اراده و اختیار مطرح میشود. و این به معنی آن است که انسان در انجام اعمال و رفتار خود مختار است و مجبور نیست. به گفته استاد مرتضی مطهری ((محققین حکمای اسلامی معتقدند که نظام هستی نظامی ضروری است و استتنا پذیر هم نیست و در عین حال انسان در آثار و رفتار خود مختار و آزاد است و حد اعلای آزادی برای انسان موجود است و این اختیار و آزادی با ضرورت نظام هستی منافاتی ندارد)). در تفکر اسلامی بشر تکونیا موجودی است مختار و صاحب اراده آزاد، یعنی در مواقع و مواضع مختلف و اوضاع و احوال گوناگون، نیروی گزینش آزاد دارد و میتواند هر گونه که خود بخواهد رفتار کند.

• آزادی _ حقوقی: آزادی در این وجه به عنوان یکی از حقوق اساسی انسان مطرح شده است. آزادی در اشکال مختلف آن _ یعنی آزادی عقیده، فکر و اندیشه و آزادی بیان و آزادی تشکیل اجتماعات و شرکت در آنها و فکر و اندیشه و آزادی قلم و مطبوعات _ یکی از حقوق مهم انسانی است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی مدنی و سیاسی بر آن تاکید شده است. و مصادیق دیگری که در آزادی حقوقی وجود دارد این است فرد باید دارای آزادی شغل، آزادی مسکن، آزادی فعالیت های اقتصادی است. به گفته ی فرانس روزنتال: ((در اسلام، آزادی کار کردن و کسب معاش به شیوه ی دلخواه را به عنوان حق اساسی برای مسلمانان آزاد به رسمیت میشناخت و به آن احترام می گذاشت.

هر گونه قدرت سازمان یافته دینی و اجتماعی را بر نمی تابد؛ لذا جورج وودکاک در ابتدای کتاب آثار شیسیم از قول سیاستین فور میگوید: ((هر کسی اقتدار را انکار کند و با آن به ستیز برخیزد آثار شیسیم است.)) نظریه ی آثار شیسیم بر خلاف آن چه در افواه عمومی معروف شده است خواهان هرج و مرج و آشوب نیست و جامعه ی بی سامان را نمی طلبد بلکه جامعه ای را ترسیم میکند که با همکاری آزادانه و همیاری داوطلبانه ی انتظام و انسجام یافته است از این رو نهادن واژه ی هرج و مرج طلبی و آشوب خواهی در برابر واژه آثار شیسیم ظاهرا نادرست به نظر میرسد. در نظر روشهای عملی اقلیتی در آثار شیسیم طرفدار روشهای خشونت آمیز و انقلابی هستند؛ اما اکثریت آنها به روشهای آشتی جویانه و اصلاح طلبانه و مبتنی بر گفتگو معتقدند. این آموزه ی سیاسی بر خلاف مکانی مثل لیبرالیسم و مارکسیسم که در محافل دانشگاهی نیز مورد توجه جدی هستند هوادارانش بیشتر در میان غیر دانشگاهیان و خصوصا نویسندگان داستانی یافت میشود. در ارتکاز عموم جوامع معمولا آموزه ای تخیلی و بیرون از واقعیت است؛ چرا که انسانها به رغم همه ی آفتهای که برای حکومت سراغ دارند؛ مجود آن را امری اجتناب ناپذیر می دانند. بررسی تاریخ؛ ریشه ی نظریات آناشیسیتی را در ینان باستانی میتوان یافت. برخی از قرائتهای رواقیگری نیز شباهت هایی با اندیشه های آثار شیسیتی دارد. اما در قرون جدید و به دنبال انقلاب فرانسه به وجود آمده است. اولین کسی که خود را آشکارا آناشیسیت نامید پیر ژوزف ژردون فرانسوی در قرن ۱۹ بود. آناشیسیت به صورت یک جنبش اجتماعی با انتشار کتاب او (مالکیت چیست؟) شروع شد. او در این کتاب اعلام کرد که سازمان سیاسی باید قدرتش را به یک سازمان اقتصادی _ اجتماعی متکی به شرکت داوطلبانه انسانهاست بدهد.

• آزادی اخلاقی: در وجه اخلاقی، آزادی به معنای خواست و اراده ی پسندیده از جانب انسان، در خدمت خیر بودن، کنترل نفس، رهایی از تعهدات و از قید و بندهای

روزمره و هوی و هوس ، رهایی اغز شر و پرهیز از کارهای بد، رهایی از حماقت و سرانجام رهایی از امیال ، می باشد . سقراط حکیم در این باره میگوید : آزادی یعنی اینکه انسان فرد از بردگی امیال حیوانی خویش که از نظر عقل، سزاوار سرزنش است رهایی یابد.))

• آزادی سیاسی : تاکنون تعاریف متعددی از آزادی سیاسی ارائه شده است . از جمله: آزادی سیاسی یعنی این که فرد بتواند در زندگی در زندگی سیاسی و اجتماعی کشور خود ، از راه انتخاب زمامداران و مقامات سیاسی شرکت جوید و به تصدی مشاغل عمومی و سیاسی و اجتماعی کشور نایل آمده و یا در مجامع ، آزاتنه افکار و عقاید خود را به نحو مقتضی ابراز نماید. برخی از مهمترین مصادیق آزادی سیاسی عبارتند از : ۱_ آزادی انتخاب و حق رای ۲_ آزادی بیان ۳_ آزادی تشکیل اجتماعات و احزاب.

((آثار شیسیم))

واژه آنارشیسیم ریشه در زبان یونانی دارد و ترکیب an_archos است. Archos به معنای تمرکز ، سر سرور و رئیس است. پیشوند an نیز برای منفی کردن به کار میرود پس می توان ((سروری ستیزی)) و ((حکومت ستیزی)) را معادل های مناسبی برای این واژه دانست. آثار شیسیم یا سروری در اصطلاح ((جنبش و نظریه ای سیاسی است که عقیده دارد مرجعیت و قدرت سیاسی در هر شکلی نا لازم و ناپسند است ؛ و لذا خواهان بر افتادن هرگونه دولت و جایگزینی انجمنای آزاد و گروهی های داوطلب به جای آن است .))

مدعای کنونی آثار شیسیم دشمنی با حکومت سیاسی است . اما با این حال نه تنها قدرت و مرجعیت سیاسی بلکه از چهره های دیگر این جنبش سیاسی میتوان از ویلیام گادوین انگلیسی ، ماکس اشتیرنر آلمانی _ که بر افکار نیچه تاثیر گذاشته است _ و میشل باکونین روسی نام برد . باکونین رهبر آثار شیسیم کمونیستی اروپا بود . آثار شیسیم در قرن ۱۹ دستمایه الهام آثار ادبی مهمی گردید . اینگونه آثار در روسیه بیشتر به چشم می خورد . به عنوان نمونه باید از چهره پردازی آثار شیسستی داستایوسکی در کتاب تسخیر شدگان (جن زدگان) یاد کرد . لنو لستوی دیگر نویسنده ی شهیر روسی نیز از همین دستمایه در آثار خود بهره می جوید . تولستوی را یک آثار شیسست مذهبی با دعاوئی آشتی طلبانه قلمداد میکنند . او وجود دولت را با اصول مسیحیت ناسازگار میدید. تولستوی میگفت این محبت است که باید بر مردم حکومت کند . آثار شیسستهای انقلابی در طول قرن نوزدهم به اعمال تروریستی و کشتار سیاستمداران ، پادشاهان و روسای جمهور دست می زدند. از ترورهای مشهور آنها میتوان از قتل کارنو ، رئیس جمهور فرانسه ، هومبرت پادشاه ایتالیا ، الیزابت ملکه ی اتریش ، مکنیلی رئیس جمهوری ایالات متحده ی آمریکا و ... نام برد . اوج آثار شیسیم در نیمه اول قرن بیستم در اسپانیا طی جنگهای داخلی این کشور بوده است.

مولفه ها و ویژگی های آثار شیسیم :

اختیارگرایی و خود انگیختگی از مهمترین مبنای آثار شیسیم است. مولفه محوری و نقطه پیوند دهنده آثار شیسستها که ستیز با هر گونه حکومت است . نیز بر همین مینا استوار است. ستیزه جویی و مخالفت آنها تنها در حکومت و مرجعیت سیاسی متوقف نمی ماند . آثار شیسیم با هر نهاد و هر قدرت سازمان یافته ی اجتماعی و دینی که بتواند یا بخواهد بر انسانها چیره شود در جنگ است . از جمله این نهادها کلیسا است . دغدغه و حساسیت آثار شیسست ها نسبت به هر نهادی است که بخواهد خصیصه ی حکومتگری بیابد.

sahebasr.ir